

مجموعه مباحث اخلاقی

دعا و مناجات برای حفظ نعمات

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۷

۸ جمادی الأول ۱۴۲۹



تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

«سُبْحَانَكَ مَا أَضْيَقَ الطَّرِيقَ عَلَيَّ مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيلَهُ وَمَا أَوْضَحَ الْحَقُّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ إِلَهِي فَاسْئَلُكَ بِمَا سُبُلُ الْوُضُوعِ إِلَيْكَ وَسَيِّزْنَا فِي أَقْرَبِ الطَّرِيقِ لِلْوُفُودِ عَلَيْكَ قَرَّبَ عَلَيْنَا الْبَعِيدَ وَسَهَّلَ عَلَيْنَا الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ وَالْحَقِّقْنَا بِعِبَادِكَ الَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْكَ يُسَارِعُونَ وَبَابِكَ عَلَيَّ الدَّوَامِ يَطْرُقُونَ وَإِيَّاكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَعْبُدُونَ وَهُمْ مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ الَّذِينَ صَفَيْتَ لَهُمُ الْمَشَارِبَ وَبَلَّغْتَهُمُ الرِّغَائِبَ وَأَنْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطَالِبَ وَقَضَيْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ الْمَأْرِبَ وَمَلَأْتَ لَهُمْ صَمَايِرَهُمْ مِنْ حَبِّكَ وَرَوَيْتَهُمْ مِنْ صَافِي شَرِبِكَ فَبِكَ إِلَيَّ لَذِيذُ مُنَاجَاةِكَ وَصَلُّوا وَمِنْكَ أَقْصَى مَقَاصِدِهِمْ حَصَلُوا فَيَا مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ»^(١).

بارالها! پاک و منزهی تو، چقدر تنگ است راهها بر آنکه تو راهنمای نباشی، و چقدر آشکار است حق پیش آنکه او را به راهش راهنمایی کرده‌ای، خداوندا! ما را در راههای رسیدن به سویت قرار ده، و رهسپار کن ما را در نزدیکترین راهها برای ورود بر خودت، نزدیک کن بر ما دوری را و آسان کن بر ما دشواری و سختی را و متصل کن ما را به بندگان آنان که در رفتن به

۱- مناجات خمس عشرة، مناجات المریدین .

سویت می‌شتابند، و درب خانه‌ات را مدام می‌کوبند و تو را در شب و روز عبادت می‌کنند و آنان از هیبت تو هراسانند. آنان که آبشخورهایشان را صاف و گوارا کردی و به آرزوهایشان رساندی و خواسته‌هایشان را روا ساختی و حاجت‌های آنان را از فضلت بر آوردی و نهادشان را از دوستی‌ات لبریز کردی و آنان را از پاکیزه‌ترین سرچشمه‌ها سیراب کردی. آنان به وسیله‌تو، به لذت راز و نیاز رسیدند و دورترین خواسته‌هایشان را به دست آوردند. ای آنکه روی آورااست بر روی آوران به سوی خود.

بیم از گمراهی؛

درسایه‌ عنایات خداوند تبارک و تعالی در ادامه شرح مناجات‌خمسه عشر به مناجات‌المیردین رسیدیم. در ادامه شرح دعا در جلسه گذشته در معنا و مفهوم «اشفاق» تأمل نمودیم و با دقت در عبارات مناجات‌میردین، اوصاف و نشانه‌های مشفقین را بیان کردیم.

مناجات‌میردین، زبان حال مرید مشفق و یا به عبارت دیگر، طالب خائفی است که اراده و عزم خود را جزم کرده است تا به سوی بارگاه قدس ربوبی حرکت کند و در آنجا رحل اقامت افکند، اما در این حرکت و سیر الی‌الله، ترس و بیم آمیخته با امید، سراپای وجود او را فرا گرفته است. چنین شخصی دوست می‌دارد که از سر چشمه معرفت‌الهی سیراب گردد. او به دنبال این است که استحقاق دریافت عطایای‌الهی را پیدا کند و به همه مطالبات درونی که برخاسته از مودت و محبت خدا است، دسترسی پیدا کند. اما در عین حال از سرگشتگی و گمراهی نگران و بیمناک است.

تشنهٔ جام وصال؛

شوق و طلب لقای الهی که هدف نهایی مرید است، در اصطلاح اهل معرفت «عطش» نامیده می‌شود^(۱). این تشنگی و شوق برای لقای الهی به زیباترین وجه در قرآن کریم بیان شده است. خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿ وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ * فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْإِفْلِينَ * فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ * فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسُ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ * إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴾^(۲).

و این چنین، ملکوت آسمانها و زمین (و حکومت مطلقهٔ خداوند بر آنها) را به ابراهیم نشان دادیم، تا اهل یقین گردد * هنگامی که تاریکی شب او را پوشاند، ستاره‌ای مشاهده کرد، گفت: این خدای من است؟ اما هنگامی که غروب کرد، گفت: غروب کنندگان را دوست ندارم * و هنگامی که ماه را دید که (سینهٔ افق را) می‌شکافت، گفت: این خدای من است؟ اما هنگامی که آن هم غروب کرد، گفت: اگر پروردگار مرا راهنمایی نکند، مسلماً از گروه گمراهان خواهم بود. * و هنگامی که خورشید را دید (که سینهٔ افق را) می‌شکافت، گفت: این خدای من است؟ این که از همه بزرگتر است، اما

۱- منازل السائرین، صفحهٔ ۴۹.

۲- سورهٔ انعام، آیات ۷۹-۷۵.

هنگامی که غروب کرد، گفت: ای قوم! من از شریک‌هایی که شما برای خدا می‌سازید، بیزارم* من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمانها و زمین را آفریده، من در ایمان خود خالصم و از مشرکان نیستم.

حضرت ابراهیم علیه السلام، چون در دل تاریک شب، ستاره درخشان را دید، به ظاهر چنین پنداشت که این ستاره خدای اوست، اما چون ستاره ناپدید شد حضرت ابراهیم علیه السلام گفت: هر چه که ناقص و زائل شدنی باشد شایستگی عشق ورزیدن ندارد. حضرت ابراهیم علیه السلام سپس ماه را دید و وانمود کرد که ماه خدای اوست، اما همین که ماه زائل شد، گفت: اگر خداوند مرا هدایت نکند گمراه می‌گردم. حضرت ابراهیم علیه السلام، با تمام وجود دریافت و این یافته را به مردم اعلام کرد که برای پیمودن مسیر نیاز به هدایت کننده و راهبر دارد. سپس نظر حضرت ابراهیم علیه السلام به سوی خورشید جلب شد و فرمود: این از همه بزرگتر است پس این خدای من است؟ اما باز خورشید افول کرد و حضرت ابراهیم علیه السلام با منطق خود که: افول کنندگان، شایسته عشق ورزیدن نیستند، خورشید را نیز به خدایی نپذیرفت.

فرزند قرآن ناطق و تفسیر مجسم، حضرت سید الساجدین علیه السلام این نیاز را در فرازهای آغازین مناجات مریدین به زیباترین صورت بیان فرموده است.

«سُبْحَانَكَ مَا أَضْيَقُ الطَّرِيقُ عَلَيَّ مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيلَهُ وَمَا أَوْضَحَ الْحَقُّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ».

بارالها! پاک و منزهی تو، چقدر تنگ است راهها بر آنکه تو راهنمایش نباشی، و چقدر آشکار است حق پیش آنکه او را به راهش راهنمایی کرده‌ای.

خداوند متعال، در آیات فوق می‌فرماید: ما ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ را هدایت کردیم؛ زیرا از ما طلب کرد و چنین شایستگی و لیاقتی داشت. همچنین ما باطن آسمانها و زمین را به او نشان دادیم. نگرستن به ظاهر آسمان و زمین تفاوت اساسی با نگرستن به باطن آنها دارد؛ نگاه نخستین موجب هدایت سطحی و ظاهری می‌گردد، اما نگاه دوم هدایتی راسخ و استوار به دنبال خود دارد و صاحب چنین دیدی، همه هستی را تحت قدرت مطلقه پروردگار می‌بیند. تفسیر ظاهری آیات فوق این گونه است که چون شوق و طلب بر حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ غالب بود از فرط و شدت عطش به لقای پروردگار با دیدن هر چه نور و درخششی داشت، می‌گفت: آیا این خدای من است؟ مانند تشنه‌ای که بر اثر غلبه عطش، سراب را آب می‌پندارد و به سوی آن روانه می‌شود. اما در واقع حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ قصد داشت مردم را به این نکته آگاهی دهد که آنچه نقص دارد و افول‌پذیر است، شایسته آن نیست که ربّ دانسته شود.

سیراب از معرفت الهی:

مرید، اراده کمال کرده است و در جستجوی کمال می‌باشد. او در آتش عطش می‌سوزد و عطش چنین شخصی وقتی فرو می‌نشیند و سیراب می‌گردد که از سرچشمه، شراب وصل بنوشد. در فرازهای انتهایی این مناجات امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید:

«وَفِي مُنَاجَاتِكَ رُوحِي وَرَاحَتِي وَعَيْنُكَ دَوَاءٌ عَلَّتِي وَشِفَاءٌ عَلَّتِي وَبِرْدٌ لَوْعَتِي».

و زنده دلی و آسودگیم در راز و نیاز کردن با توست و داروی دردم، و بهبودی
سوز جگرم و خنکی سوز دلم در پیشگاه توست.

با بیان این مقدمه و نقل داستان حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام به این نتیجه
می‌رسیم که همهٔ انسانها با هر آئین و نگرشی که باشند تشنهٔ کمال هستند و
همگان افق‌های را نظاره می‌کنند. اما بسیاری در تعیین مصداق به خطا رفته و
آنچه را که کمال واقعی نیست سرچشمهٔ حقیقی می‌پندارند و درست در همین
نقطه است که بشر، نیازمند هدایت بیرونی و توفیق الهی است. لذا باید گفت
سیرابی و رهایی از عطش و التیام دردِ دوری جز با عطایای خاص الهی قابل
دسترس نمی‌باشد.

سالک و تقاضای ثبات قدم؛

مرید هنگامی که قدم در راه می‌گذارد و قصد پیمودن مسیر کند،
«سالک» نامیده می‌شود. در هدایتی که سالک از خداوند متعال می‌طلبد، تنها
به راهنمایی بسنده نمی‌کند بلکه توقع رساندن به مطلوب از ناحیهٔ حضرت حق
و ثبات و دوام بر این ایصال را دارد. همانطور که در جلسات گذشته بیان شد،
هدایت مورد نظر مؤمنان، ثبات قدم در هدایت می‌باشد.

کسی که راه را یافته است و معشوق واقعی را شناخته از یک طرف
گرفتار سوز و عطش است و از سوی دیگر نگرانی و ترس از درون او را
می‌آزارد که مبادا در راه بماند و از ادامهٔ حرکت باز ایستد یا گمراه شود و در
کژراهه‌ها گرفتار آید.

وعدۀ وصل چون شود نزدیک آتش عشق تندتر گردد

انسان سالک، در مرحلهٔ نخست از خداوند متعال راه یابی و دست یافتن به مقصود را می‌طلبد و در مرحلهٔ بعد از دست ندادن آن را. ترس و نگرانی سالک در این مرحله بیشتر است و از این بیم دارد که شایستگی خود را از دست بدهد و از جوار محبوب رانده بشود. دوام و بقاء در منزل معشوق، شایستگی و لیاقت ویژه‌ای می‌طلبد. در این وادی با اندک سوء ادب و بی‌توجهی باید منزل محبوب را ترک کند و ای بسا این بی‌توجهی، سالک را ناخواسته از درگاه براند.

امام سجّاد علیه السلام در مناجات راغبین به این نکتهٔ مهم اشاره داشتند و فرمودند:

«وَمَا وَهَبْتَ لِي مِنْ كَرَمِكَ فَلَا تَسْلُبْنِي».

آنچه از کرمت بر من بخشیدی، از من نگیر.

مراقبت‌های سه گانه:

پس از آنکه دانستیم سالکین همواره در بیم و امید قرار دارند، و در مرتبهٔ دوام هدایت بیش از مرحلهٔ قبل خائف هستند، توجه به این نکته ضروری می‌نماید که باید کرامت و نعماتی که از طرف خداوند متّان به ما ارزانی می‌شود را حفظ نماییم و آن را از دست ندهیم. بدین منظور باید مواظب سه موضوع باشیم و در این سه مرحله مراقبت ویژه داشته باشیم.

۱- رعایت اعمال؛ یعنی با نا چیز شمردن کارهای خود، عمل خود را فراوان سازد؛ یعنی بی آنکه نظر و توجهی به اعمال خود داشته باشد آنها را انجام دهد و برای آن وزن و اعتباری قائل نشود و چشم داشتی به پاداش اعمال خود نداشته باشد. ابلیس مراعات اعمال خود را نکرد و با یک سوء

ادب از درگاه خداوند متعال رانده شد. او پس از آنکه از مقرّبان الهی گشت در پیشگاه خداوند عصیان و نافرمانی کرد و نه تنها رانده شد که مورد لعنت خداوند نیز قرار گرفت. خداوند متعال در مورد ابلیس می‌فرماید:

﴿فَأَخْرَجْنَا مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيمٌ * وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ اِلَى يَوْمِ الدِّينِ﴾^(۱).

فرمود: از صف آنها (فرشتگان) بیرون رو، که رانده شده‌ای * و لعنت و دوری از رحمت حق تا روز قیامت بر تو خواهد بود.

همان‌گونه که امام سجّاد علیه السلام در این مناجات در رابطه با مشفقان می‌فرماید که ایشان لحظه‌ای از یاد خدا غافل نیستند و شب و روز خداوند را عبادت می‌کنند، باید لحظه‌ای از خداوند متعال غافل نشد و در ضمن تمام اعمال صالح خود را کم و نا چیز به شمار آورد و همه را از الطاف و توفیقات خداوند سبحان دانست.

۲- رعایت احوال؛ یعنی رها شدن از سستی و کاهلی و خلاص کردن قلب از تصرفات شیطان.

مراقبت از احوال و مراعات بدین معنا است که کسالت و تنبلی در انسان راه نیابد و او را از عبادت باز ندارد. هنگامی که مرید متوجّه این مطلب شود که قرب الهی مقوله‌ای مشکک است و برای هر مرحله‌ای از قرب، مرحله‌ای بالاتر و نزدیک‌تر نیز وجود دارد، از حرکت و تلاش برای دست یابی به مراحل و منازل بالاتر و قریب‌تر دست بر نمی‌دارد؛ به عبارت دیگر تنبلی و سستی در چنین انسانی جای ندارد. او همیشه در تلاش و کوشش است (عبادت و مجاهده با نفس) تا به منازل بالاتر برسد.

۱- سوره حجر، آیات ۳۵-۳۴.

۳- رعایت اوقات؛ یعنی در هر گام و کار خود درنگ کند و نیت خود را خالص سازد. توضیح بیشتر آنکه، آدمیان در زندگی روز مره، ساعات عمر خود را صرف کار و تلاش، عبادت و استراحت می‌کنند. منظور از رعایت اوقات آن است که فرد هنگام کسب و کار و یا تحصیل علم و یا پرداختن به امور مباح، نیتی خالص داشته باشد و اعمالش را برای تقرب به بارگاه الهی انجام دهد.

خداوند و توبه به مقبلین؛

امام سجّاد علیه السلام در این مناجات می‌فرماید: بارالها بندگان راستین تو کسانی هستند که به سرعت به سوی تو می‌شتابند و تو را روز و شب عبادت می‌کنند و از هیبت و جلال تو می‌هراسند. کسانی که تو آبشخور آنان را پاکیزه کردی و هدایای ویژه‌ای به آنان دادی و آرزوها و آمال آنان را بر آوردی. سپس امام سجّاد علیه السلام می‌فرماید: حرکت بندگان راستین به سوی خداوند متعال بی پاسخ نمی‌ماند و خداوند سبحان به بهترین وجه از آنان پذیرایی می‌کند. امام زین العابدین علیه السلام در ادامه مناجات می‌فرماید:

«فَيَا مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ».

ای آنکه روی آور است به روی آوران به سوی خود.

خداوندا! اگر ما یک گام به سوی تو برداریم تو نه تنها چند گام به سوی ما حرکت می‌کنی که علاوه بر آن دست ما را می‌گیری و به مقصود و مطلوب می‌رسانی.

انشاء الله خداوند متعال همه ما را از بندگان خاص و خالص خود قرار دهد.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

انسان سالک، در مرحله نخست از خداوند متعال راه یابی و دست یافتن به مقصود را می‌طلبد و در مرحله بعد از دست ندادن آن را. ترس و نگرانی سالک در این مرحله بیشتر است و از این بیم دارد که شایستگی خود را از دست بدهد و از جوار محبوب رانده بشود. دوام و بقاء در منزل معشوق، شایستگی و لیاقت ویژه‌ای می‌طلبد. در این وادی با اندک سوء ادب و بی‌توجهی باید منزل محبوب را ترک کند و ای بسا این بی‌توجهی، سالک را ناخواسته از درگاه براند.

(صفحه ۹ از همین جزوه)

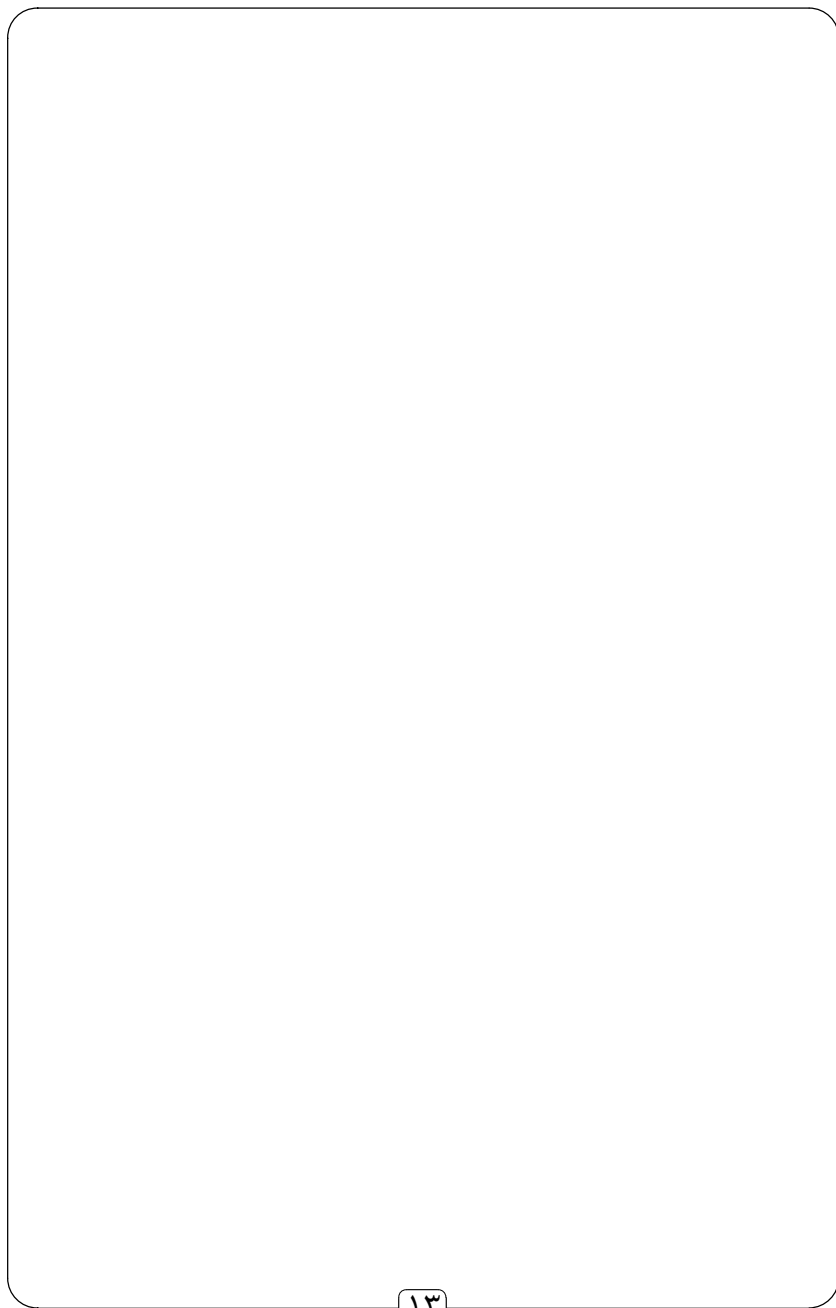
www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹



اخلاق: ۷۲